

نمایشنامه در هفت پرده پرده ششم: جنگ مغلوبه می‌شود

یکشنبه هفته گذشته دفتر مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران از طرف حدود بیست نفر از اعضاء مورد هجوم واقع و اشغال شد. مهاجمین در غیاب بهاءالدین ادب رئیس انتخابی سازمان، دفتر مرکزی را اشغال و اعلام می‌کنند «این کشتی را ناخدایی دیگر آمد». منوچهر مزینی رئیس انتصابی جدید بر کرسی ادب جا خوش کرد، حسن فرید اعلم درب اتاقش را قفل و همراه یونس قلی‌زاده طیار سنگر خط مقدم را رها کردند، احمدرضا سرحدی که جوان و هیکل دار است به رگم تهدیدها، صندلی‌اش را دو دستی چسبیده و سنگر را رها نکرد. گرچه مدافعین این حصن حصین به مدت یک سال تمام به هیچ باد و بروتی از میدان به در نرفته بودند، اما حقیقت این است که این باد و دم این بار از آن باد و بیدها نبود. این بار مهاجمین «برهان قاطع» داشتند. گرچه نه به براقی و تیزی «برهان قاطع» فدائیان اسماعیلی که مهندسین شأن بالاتری دارند، بل در این زمانه و در آن حضور شرم‌آگین خاندان کارکنان زن و مرد بی‌تقصیر و از همه جا بی‌خبر، همان باد و بوش خشمگینانه و قوت بازوی هواداران مهاجم برای به لرزه انداختن تن این و آن کفایت می‌کرد، چه در برابر خشم رئیس کل نزدیک بود خانم محترمی از کارکنان درجا قالب تهی کند.

پس از این پیروزی اولیه در مرحله استقرار، نوبت مطیع و منقاد کردن کارکنان فرا رسید. این مهم نیز با فراخواندن اینان به سالن هیأت مدیره و سخنرانی غرای آقایان و اعمال سیاست هویج و باتون به خوبی پیش رفت. اکنون مرحله تعویض قفل و کلون دروازه بود، که آن‌هم با فرمانی به راحتی انجام شد.

مقدمات اشتغال

در آخرین روز هفته گذشته یعنی چهارشنبه قبل از تعطیلات پنج‌شنبه و جمعه و شنبه (تعطیل رسمی) تعدادی گروه اقلیت اعضای هیئت مدیره به یاری عده‌ای از اعضای شورای مرکزی که در رأس آن، آقای سید محمد غرضی (وزیر اسبق و...) قرار دارد، جلسه‌ای تشکیل داده، هیأت رئیسه فعلی یعنی آقایان مهندس بهاءالدین ادب (رئیس سازمان)، دکتر حسن فرید اعلم، دکتر قلی‌زاده طیار نواب ریاست و دکتر احمدرضا سرحدی (دبیر هیأت رئیسه) را معزول و فی‌المجلس آقایان دکتر منوچهر مزینی را به عنوان رئیس، دکتر حمید بهبانی را به عنوان نایب رئیس اول و آقای مهندس حسین رادمنش را به عنوان نایب رئیس دوم (که از پذیرفتن این مقام به دلیل غیر قانونی بودن روند انتصابی آن امتناع می‌ورزد) و آقای مهندس اسماعیل‌پور بزار را به عنوان دبیر هیأت رئیسه جدید برمی‌گزینند. به رغم امتناع، آقای مهندس رادمنش و بدون هیچگونه ابلاغ قبلی و طی کردن مراحل قانونی و عرفی تحویل و تحول، سایر اعضای انتصابی در معیت تعدادی از اعضای کانون مهندسين شهرستان کرج و همچنین اعضای هیأت مدیره تهران آقایان مهندس محسن بهرام غفاری، مهندس منوچهر شیبانی اصل و مهندس کامیار بیات ماکو و دکتر حمید ماجدی اردکانی و همچنین رئیس سابق دفتر نمایندگی جنوب تهران آقای علی‌اکبر یزدی وارد دفتر مرکزی تهران شده و به ترتیبی که شرح مختصر آن گذشت محل دفتر سازمان را به اشغال خود در می‌آورند.

پیش‌زمینه‌های نزاع

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران سازمانی است غیر دولتی (N.G.O) ولی با نظارت و بعضاً قیومیت وزارت مسکن و شهرسازی، با نزدیک به سی‌هزار نفر عضو که هر سال یک بار ۲۵ نفر را به عنوان اعضای هیأت مدیره از طریق مجمع عمومی بر می‌گزینند. هیأت مدیره از میان خود چهار نفر را به

عنوان هیأت رئیسه برای مدت یک سال انتخاب می‌کنند. هیأت مدیره کنونی منتخب بیست و سوم تیرماه سال ۱۳۷۹ (دو سال پیش) و هیأت رئیسه آن منتخب دوم مهرماه همان سال است. اما چگونه شد که مدت تصدی آن از مدت یک سال یعنی از تاریخ مهرماه ۱۳۸۰ عبور کرد. داستان از این قرار است که هیأت مدیره در مهرماه سال ۱۳۸۰ به دلیل برابری آرای دو نفر نامزد ریاست سازمان (۱۲ در برابر ۱۲ از دو فراکسیون مختلف) موفق به گزینش نشد. جلسات بعد نیز به دلیل غیبت تعدادی از اعضاء رسمیت نیافت یا با خروج فراکسیون به رهبری آقای مهندس غرضی به هنگام اخذ رأی از رسمیت خارج شد. به طوری که اکنون با گذشت یک سال از تاریخ مقرر، هیأت مدیره موفق به تشکیل جلسه رسمی انتخاب هیأت مدیره موفق به تشکیل جلسه رسمی انتخاب هیأت رئیسه جدید نشده است. در این مدت به تدریج آن آرای ۱۲ در برابر ۱۲ تبدیل به ۱۳ در برابر ۱۲ شد. گروه ۱۲ نفره که جناب آقای مهندس سید محمد غرضی ریاست محترم انتصابی شورای مرکزی نیز در آن قرار دارد همواره اعلام کرده است که هیأت رئیسه فعلی را به دلیل به سر آمدن موعد قانونی آن به رسمیت نمی‌شناسند و در جریان عمل به دلیل این که در صورت برگزاری انتخابات مجدداً همین افراد انتخاب خواهد شد از شرکت در جلسات متعدد هیأت مدیره امتناع می‌ورزند. گروه سیزده نفر نیز که هیأت رئیسه منصوب از میان آنهاست نظریات خود را طی بیانیه‌های جداگانه منتشر کرده است.

در طی مدت یک سال اخیر کوشش دو طرف به منظور خروج از بن‌بست موجود به جایی نرسید. گروه ۱۲ نفره (اقلیت مقتدر) خواهان انتخاب هیأت رئیسه از طریق نوعی توافق و سازش پشت پرده (بخوانید لابی) بود و گروه اکثریت لرزان (۱۳ نفره) خواهان تشکیل جلسه رسمی هیأت مدیره و انجام انتخابات به روش قانونی و مقرر در آیین‌نامه اجرایی و نظامنامه داخلی و یا تشکیل مجمع عمومی بود. با وجود آن که در ماه گذشته اصلاحیه قانون نظام برای رفع بن‌بست از طرف وزارت مسکن و شهرسازی ابلاغ شده بود و این اصلاحیه ابزار قانونی کافی در اختیار اقلیت قرار می‌داد، معلوم نیست به چه علت

گروه مزبور تاب تحمل طی مراحل قانونی را نیاورد و با وجود این که قرار بود جلسه هیأت مدیره به منظور انتخاب اعضای هیأت رئیسه به زودی تشکیل شود، هجوم را به قرار ترجیح داد.

تا آنجا که این حقیر اطلاع یافته در این روز تراژیک جناب مهندس لطفی زاده به عنوان نماینده وزارت مسکن و شهرسازی و مسئولین محترم حراست آن وزارتخانه نیز در سازمان حضور یافته‌اند. این که نظر وزیر محترم مسکن و شهرسازی چیست و نقش این همکاران ارجمند چه بوده است بر نگارنده روشن نیست.

القصد هجوم دیروز را می‌توان پرده ششم بازی از نمایش‌نامه‌ای در هفت پرده دانست که جهت آگاهی علاقه‌مندان از تاریخچه و ماهیت اختلافات، پنج پرده قبلی نمایش‌نامه عیناً از مجله پیام نظام مهندسی ساختمان (شماره ۱۹، مهرماه ۱۳۸۰) به پیوست ارسال می‌شود. آیا در پرده هفتم سی‌هزار مهندس عضو سازمان تهران نقشی ایفا خواهند کرد. والله اعلم

فرایند مشارکت

نمایش‌نامه در هفت پرده

پرده اول: آرامش

به خاطر دارم تا انتخاب هیأت مدیره دوره سوم سازمان تهران (با احتساب دوره آزمایشی به عنوان دوره اول) در بهار سال گذشته و به هم خوردن ترکیب سنتی آن که در آن به‌طور عمده غلبه با دولتمردان بود و به‌طور مشخص تا اواخر دوره دوم که جناب مهندس غرضی و یاران ارجمندشان در فقدان یک گروه رقیب جدی، ریاست سازمان و هیأت رئیسه را بر عهده داشتند، همه چیز به خوبی و خوشی می‌گذشت. جناب ایشان با کیاست و فراست یک مدیر کهنه کار و زبردست برآمده از انقلاب همه چیز را به نحوی اداره می‌کرد که هیچ سر و صدایی از جایی بر نمی‌خاست. شمای کلی سلسله

مراتب هرم قدرت سازمان را می‌شد به این ترتیب تصویر کرد: در رأس هرم، مقاماتی در سطح وزیر و معاون قرار گرفته بودند. قشر میانی از دولتمردان (ایضاً مدیران همان وزارتخانه‌ها) یک رده پایین‌تر از همان وزرا و معاونین در میانه هرم جا داشتند و در قاعده هرم نیز تعدادی دانشگاهی و مهندسی آزاد و مقاماتی از اپوزیسیون سنتی، گاهی هم که صدای اعتراضی، مخالفتی، پرس‌وجویی با پی‌جویی مصوبه‌ای و مطالبه‌ای از این طرف و آن طرف برخاست، در برابر انسجام اداری و وحدت مؤثر رأس و میانه هرم و تعداد بیشتر اینان در هیأت مدیره نسبت به قاعده، کاری از پیش نمی‌برد. در حقیقت سر و صدای پر طینتی از جایی بر نمی‌خاست یا اگر هم بر می‌خاست به جایی نمی‌رسید و به عنوان تفرقه افکنی، سیاسی بودن و شب‌نامه پراکنی و نظایر استاندارد شده اینان بر جای خود می‌نشست. آهنگ کاهش تدریجی و مستمر شرکت‌کنندگان در مجامع عمومی، نگران‌کننده و نشان‌دهنده بیماری و یا نارضایتی پنهان بود. آتش زیر خاکستر آیا؟ هیچ تمهیدی نیز از جانب هیأت رئیسه، هیأت مدیره، گروه‌های منفرد، اپوزیسیون و ... برای افزایش مشارکت مؤثر واقع نمی‌شد.

پرده دوم: طوفان مشارکت

به هم ریختن ترکیب سنتی هیأت مدیره در آخرین انتخابات، گرچه پیش‌درآمد طوفانی بود که باید از راه می‌رسید ولی در عین حال اتفاق مهمی بود که باعث بالا رفتن سطح مشارکت شد. به طوری که:

- ۱- هیچ یک از جلسات هیأت مدیره به خاطر نرسیدن به حد نصاب (۱۷ نفر) معطل نماند.
- ۲- مجمع عمومی اول و دوم در تابستان با افزایش جمعیتی قابل توجه نسبت به گذشته برقرار شود.
- ۳- در مجمع عمومی به بیلان و ترازنامه مصوب هیأت مدیره و بازرسان رأی داده نشد.
- ۴- در همان پیشنهاد حسابرسی نالی سازمان از ابتدای تأسیس توسط یک حسابرس واجد شرایط با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

این اتفاق کمی نبود؛ برای اولین بار مجمع عمومی در یک شکل حرفه‌ای به هیأت مدیره گفت نه! و خواهان حسابرسی شد.

پرده سوم: صف آرای

اولین جلسه هیأت مدیره پس از مجمع عمومی بر سر انتخاب اعضای شورای انتظامی به نتیجه نرسید. در سه جلسه بعد به علت آبستراکسون (اعتزال یا غیبت ارادی جمعی) جناح سنتی، جلسه هیأت مدیره به حد نصاب نرسید و رسمیت نیافت.

پرده چهارم: جنگ تن به تن

جلسه چهارم (اول مهرماه) رأی گیری برای انتخابات هیأت رئیسه جدید با رأی مساوی ۱۲ در برابر ۱۲ به دو کاندیدای ریاست هیأت رئیسه قبلی و خارج از موضوع دانستن این بحث توسط جناب مهندس معین فر رئیس سنی جلسه و تهدیدات طرفین به اخراج دیگری، جلسه به آشوب کشیده شده. به دنبال خروج آقای مهندس غرضی از جلسه، فراکسیون متبوع ایشان نیز جلسه را ترک و در نتیجه جلسه از رسمیت افتاد.

پرده پنجم: تحکیم خطوط دفاعی

قبل از تشکیل جلسه پنجم رونوشت نامه ده نفر از معترضین (بخوانید معتزلین) به بازرسان دائر بر اعتقاد بر عدم رسمیت هیأت رئیسه و تصمیم به عدم حضور در جلسه قرائت شد و در نتیجه جلسه با حضور چهارده نفر از اعضای اصلی، دو تن از بازرسان و تنی چند از اعضای علی‌البدل تشکیل گردید. به این ترتیب جلسه هیأت مدیره برای چهارمین بار از اکثریت افتاد و به حد نصاب قانونی (هفده نفر) نرسید. با این حال پس از بحث و بررسی و تبادل نظر با بازرسان نتایج زیر بدست آمد:

۱- برحسب قانون تجارب و رویه گذشته سازمان تا انتخاب هیأت رئیسه و هیأت مدیره جدید هر دو رکن

می‌بایست به انجام وظیفه ادامه دهند.

۲- به دلایل متعدد حقوقی و نیاز اعضای سازمان به مراجعه و انجام امور روزمره هیچ یک از ارکان سازمان تعطیل بردار نیست و لهذا کلیه مسئولین و مدیران و گروه‌ها و کمیسیون‌های تخصصی باید به وظایف خود همچون گذشته عمل نمایند.

۳- جلسات هیأت مدیره رسمی است. لکن تا هنگام نرسیدن به نصاب قانونی مصوبه جدید نخواهد داشت.

۴- در مورد غیبت اعضاء باید بر طبق آیین‌نامه و نظامنامه عمل شود.

۵- مصوبات مجامع عمومی جز توسط خود مجمع لغو نمی‌شود. بنابراین لازم است هر چه زودتر نسبت به مصوبه آخرین مجمع دائر بر حسابرسی امور مالی سازمان از بدو تأسیس تا کنون اقدام و گزارش آن به مجمع آتی داده شود.

۶- از آنجا که مجمع عمومی عالی‌ترین رکن سازمان است، باید با حفظ ترتیبات قانونی در اسرع وقت نسبت به تشکیل مجمع عمومی اقدام شود تا نسبت به کلیه موارد مورد اختلاف اظهار نظر و اخذ تصمیم نماید.

نگاره‌های پشت صحنه

صحنه اول: چشم‌اندازها

دل مشغولی‌ها و فال نیک و بد زدن‌های پشت صحنه از هنگامی آغاز شد که آن نظم سنتی سلسله مراتبی و محکم هیأت مدیره به هم ریخت. بلافاصله پس از اعلان نتیجه انتخابات، عده‌ای (غالباً وابستگان به جناح غالب قبلی) پیش‌بینی می‌کردند که به علت دو قطبی شدن هیأت مدیره در دوره جدید فعالیت‌های هیأت مدیره با بن‌بستی اساسی مواجه خواهد شد که سازمان را فلج خواهد کرد و کاری از پیش نخواهد برد.

در برابر اینان عده‌ای دیگر (غالباً از جناح تازه پا گرفته) گمان می‌بردند تحولات خوش فرجامی در حال شکل‌گیری است که سازمان را بیش از پیش موفق خواهد کرد. به جرأت می‌توان گفت چه آن بد بینی، چه این خوش‌بینی، هر دو متکی بر پیش‌فرض‌ها و در عین حال بیان تمایلات یا بهتر بگوییم مبین آرزوهای دو طرف بود.

پیش‌فرض‌های متفاوت و بعضاً متضاد دو گروه:

۱- اتکای به بدنه به جای نگاه به بالا، این دو نظریه از ابتدای انتخابات دوره دوم (دروه اول پس از دوره آزمایشی) از جناب نامزدهای انتخابات هیأت مدیره مطرح و هر یک هواخواهان خود را داشت. نگاه به بالا طبعاً از جانب کسانی مطرح می‌شد که پیشرفت در تمام امور، فردی و اجتماعی را در گرو ارتباط با مصادر قدرت اجتماعی و سیاسی می‌بینند و طبعاً بهره‌ای هم از آن دارند. و اتکای به بدنه طبعاً خاستگاه جریان‌ات اجتماعی فرایازی است که فاقد قدرت اجتماعی و خواهان توزیع عادلانه‌تر آن در بستر ساختار جامعه مدنی‌اند.

۲- قدرت متکثر (پراکنده) در برابر قدرت واحد. تکثر و تنوع قدرت اجتماعی و ثروت، خواست گروه‌های فرایاز و حفظ قدرت بلامعارض و بدون رقیب خواست گروه‌های اجتماعی واجد قدرت است. لهذا گروه اول را اصلاح‌طلب و گروه دوم را محافظه‌کار می‌نامند.

به این ترتیب گروه اول که از تعدیل به وجود آمده ناخرسند بود، فال بد می‌زد و گروه دوم که تعدیل به وجود آمده یک قدم او را به هدف نزدیک‌تر کرده بود، فال خوب می‌زد.

جالب توجه است که سیر وقایع تا حدودی و در سطح هر یک از نظریات، درستی هر دو را نشان داد. با این تفاوت که طراز گردش روزگار به سمت یکی از این دو گرایش میل می‌کند. بعید می‌نماید که طراز مسائل آینده جهان، تک محوری و محدودیت عوامل مؤثر در ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پذیرا باشد. جهان به سوی تنوع و تکثر در حال حرکت است. آنچه برای پیشرفت و سعادت اجتماعی مهم است، وفاق اجتماعی بر سر پذیرش و رعایت قواعد بازی است. قواعد بازی جامعه مدنی.

به اعتقاد نگارنده بن‌بست کنونی مشکل بزرگی نیست. این بن‌بست بالاخره به دست با کفایت مهندسين شکسته خواهد شد. مهندسين با بن‌بست خو گرفته‌اند و هر روز در کار بن‌بست شکنی‌اند: ذات کار مهندسی اصولاً بن‌بست شکنی یا به عبارت دیگر فرایند حل مشکل است.

مسئله یا مشکل در کار طراحی، اجرا و نظارت. آنچه مهم است، پاسخی است که جامعه مهندسی به معضل کنونی خواهد داد. آنچه مهم‌تر است نحوه حل مسئله کنونی است. اگر بتوانیم به خوبی و زیبایی از این بن‌بست عبور کنیم برای مقابله با بن‌بست‌های بعدی آماده‌تریم.

چگونه می‌توان به خوبی و زیبایی از بن‌بست کنونی عبور کرد؟

۱- با اتکای به قانون، آیین‌نامه، مقررات و نظام‌نامه‌های اجرایی.

۲- با اتکای به قانون مدون، عرف جامعه و رویه‌های گذشته.

۳- با پرهیز از سیاه و سفید دیدن پدیده‌ها و آدم‌ها.

۴- با آمادگی برای گفتگو و پذیرش راه‌حل‌های میانه.

و بالاخره و در نهایت چنانچه این مشکل به دست هیأت مدیره حل نشد. نوبت جمهور مهندسان یا بدنه سازمان است. آن وقت که کلیه مهندسان عضو سازمان احساس کنند می‌توانند نقش سازنده‌ای در سرنوشت سازمان داشته و هم آن‌ها هستند که باید حرف آخر را بزنند. نتیجه این مداخله هرچه باشد به نفع این یا آن گروه؟ هیچ اهمیتی ندارد. آنچه واجد اهمیت اساسی است، افزایش سطح مشارکت است. در این صورت، چند قطبی شدن و تکثر و تنوع دوره فعلی را می‌توان به فال نیک گرفت و خوش فرجام دانست. در این صورت باید با امید به این که شاهنامه آخرش خوش باشد در انتظار دو پرده دیگر نمایشنامه باشیم، که پس از این تاریخ (۸۰/۰۷/۰۸) بازی خواهد شد.